

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۶ _ بخش دوم: هبوط _ مطلب پنجم: محدودیت هبوط مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۲
تاریخ: ۸ بهمن ۱۳۹۹
جلسه: ۳۶

﴿الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعین﴾

مطلب پنجم: محدودیت هبوط

در بخش دوم آیه ۳۶ که درباره هبوط به سوی زمین است، تا اینجا چهار مطلب بیان شد. مطلب پنجم مربوط به محدودیت هبوط است. عرض کردیم که اساسا هبوط پس از سکونت آدم در بهشت، خودش تمثیل یک واقعیت و حقیقت است و این در واقع علت خاصی تحقق پیدا کرد. خداوند متعال بر اساس قضای حتمی خودش هدفی را از هبوط آدم به زمین تعقیب می‌کرد و اکنون بر اساس ذیل این آیه می‌خواهد بفرماید این هبوط و استقرار در زمین محدود است و دائمی نیست. فرمود: «و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الارض مستقرٌ و متاعٌ الی حین». به دو خصوصیت برای هبوط آدم در روی زمین اشاره شده که لکم فی الارض مستقرٌ و متاعٌ. مستقر یعنی چه؟ متاع به چه معناست؟ و بعد اینکه این استقرار و متاع الی حین است، به این دو خصوصیت هم اشاره کرده است.

مستقر گاهی به معنای مصدر میمی است. مثل اینکه گفته می‌شود: «إلی ربک یومئذٍ المستقر»^۱. گاهی اسم مکان است، مثل اینکه گفته می‌شود: «أصحابُ الجنة یومئذٍ خیرٌ مستقرا»^۲. اینجا سخن از یک مکان است و اشاره به آن مکان دارد. اینجا هم می‌گوید: «و لکم فی الأرض مستقر»، این زمین را قرارگاه انسان قرار می‌دهد یعنی کأن اسم مکان است. زمین می‌شود مستقر انسان. مکانی که انسان در آن قرار می‌گیرد.

در این مکان متاعی هم برای انسان قرار داده شده. متاع یعنی چه؟ نمی‌خواهد بگوید یک متاع خاص، می‌خواهد بگوید زمینه‌های بهره‌برداری و تمتع برای تو در این زمین فراهم شده. بالاخره وقتی انسان از آن عالم به نشئه طبیعت هبوط می‌کند، نشئه طبیعت اقتضائات خودش را دارد. احتیاج به طعام، شراب، زوج و... نیازهای طبیعی و غریزی و چیزهای مختلفی که انسان بر اساسا زندگی در نشئه طبیعت به آنها محتاج است، در او وجود دارد. خداوند متعال به او می‌فرماید این زمین مستقر تو است و در آن همه آنچه را که تو برای زندگی در نشئه طبیعت نیاز داری وجود دارد. هر چه که متاع باشد، یعنی چیزی که برای تو قابل بهره‌برداری، باشد، این تمتع و بهره‌برداری انسان همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. پس انسان در روی زمین باید زندگی کند. همه وسایل زندگی هم برای او فراهم شده است.

۱. سوره قیامت، آیه ۱۲.

۲. سوره فرقان، آیه ۲۴.

دو احتمال در «إلی حین»

در ادامه میفرماید: «إلی حین»؛ گمان نکنی که استقرار و تمتع تو در روی زمین نامحدود است و إلی الابد و تا همیشه در روی زمین خواهی ماند و متمتع خواهی بود. اینجا دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: این استقرار و تمتع «إلی حین»، یعنی إلی یوم القیامة است. آدمیان که در زمین ساکن شدند و وسائل زندگی در اختیارشان قرار گرفت، آمدی دارد و محدود است، در یک زمان محدود است و نامحدود و بی نهایت نیست. آن آمد محدود و یوم القیامة که روز بازگشت انسان به سوی خدا است، آن روز بسیار بسیار مهم و تعیین کننده است. خداوند متعال با این بیان کأن می خواهد به آدم بفرماید که زمین و دنیا دار قرار نیست؛ موقت است، بازگشت دارد لکن انسان یا به وسوسه های شیطان پشت کرده و تسلیم وسوسه های شیطان نشده، راه صلاح را پیش گرفته و آدم ابوالبشر و سایر انبیاء و اولیاء الهی که الگو و حجت شده برای دیگران و او توانسته در این مدت با بهره مندی از آنچه که خداوند برای او در این دنیا قرار داده صعود کند و یا وسوسه های شیطان او را منحرف کرده و کار به جایی رسیده که دیگر امکان صعود او به مقامی که پیش از این از آن بهره مند بود، برای او وجود ندارد.

این نکته بسیار مهمی است که انسان در این دنیا چگونه زندگی کند، این محدودیت را انسان باید بفهمد بشر باید بفهمد که إلی یوم القیامة مستقر و متاع در زمین دارد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده که در ذیل آیه: «إهبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الأرض مستقرٌ و متاعٌ إلی حین» میفرماید: «أی إلی یوم القیامة»^۱ اینجا اشاره می کند به انقراض این دنیا و زمین و در واقع می خواهد بگوید اگر تو و فرزندان تو دور شدید از این جایگاه و این مقام، اما باز می توانید به این مقام و جایگاه برگردید.

احتمال دوم: البته «إلی حین» ممکن است به معنای مرگ هر شخص هم باشد. یعنی احتمال دیگری را در اینجا تصویر کنیم که «لکم مستقرٌ و متاعٌ إلی حین»، «أی إلی حین الموت»؛ یعنی وقتی که می میرید و دوباره به سوی من باز می گردید.

بررسی دو احتمال

منتهی ما این مسئله موقت بودن را یکوقت به لحاظ نوع انسان در نظر می گیریم و یکبار هم به لحاظ اشخاص و افراد در نظر می گیریم. اگر به لحاظ اشخاص در نظر بگیریم هم درست است. یعنی بگوییم هر انسانی چه آدم ابوالبشر که به این دنیا پا گذاشت و هبوط کرد بالاخره یک عمری داشت و در یک زمانی از دنیا رفت و در واقع آن زمان بود که به لقاء حق تعالی نائل شد و صعود کرد. انسان های دیگر هم همینطور، هر انسانی که پا به این دنیا می گذارد و متولد می شود، برای او استقرار و متاعی در این دنیا هست تا زمانی که موت او برسد. پس «إلی حین» «أی إلی حین الموت». این هم غلط نیست چون اگر بخواهیم حضور انسان را در زمین به لحاظ افراد انسانی در نظر بگیریم، قهرا زمانش می شود زمان موت. اگر به لحاظ نوع انسان در نظر بگیریم، «إلی حین» به معنای إلی یوم القیامة است. یعنی زمانی که دنیا کن فیکون می شود

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۳، حدیث ۱۲۳.

و انسان‌ها برای ورود به قیامت آماده می‌شوند. هر دو درست است؛ بالاخره هبوط انسان به عنوان اینکه نوع انسان باید در این نشئه زندگی کند و تا یوم القیامة جریان دارد و این استقرار وجود دارد و آنگاه هست که به طور کلی نوع انسان‌ها بر می‌گردند به سوی خداوند و به لحاظ اشخاص هم که ببینیم، مسئله همینطور است. بالاخره تک‌تک انسان‌ها با مرگ این مسیر را پایان یافته می‌بینند و یا به سوی خدا در مقام قرب و در مقامات عالی جای می‌گیرند و یا در بعد و دروی از خداوند در جهنم و در مقامات جهنم. پس ما چه «إلی حین» را به معنای «الی یوم الموت بدانیم و یا به معنای «إلی یوم القیامة بدانیم، اصل محدودیت و موقت بودن استقرار انسان در زمین و محدودیت استمتاع و بهره‌مندی و متاع او در زمین، به طور واضح و روشن و شفاف از این آیه استفاده می‌شود.

درس محدودیت هبوط

این خودش یک نکته مهمی را به انسان تفهیم می‌کند که هبوط اتفاق افتاده ولی به معنای این نیست که به کلی آدم و انسان نابود شده باشد و از بین رفته باشد. کأن مانند این است که کسی را از عالی‌ترین مراتب علمی و حضور در دانشگاه ببرند کلاس اول ابتدایی بنشانند. (این را برای تقریب به ذهن عرض می‌کنم). خداوند آدم ابوالبشر را یکباره برد در آن جایگاه پس از خروج از مراحل مختلف ابتلا و در مثال، مراحل مختلف تحصیل در مقاطع مختلف، در آن جایگاه عالی نشانند یک امری اتفاق افتاد و کأن آدم و حوا و ذریه او بجای اینکه یکباره در آن جایگاه بلند و رفیع قرار بگیرند بدون آزمایش و اثبات لیاقت و شایستگی‌ها، او را از آن جایگاه عالی آوردند در همین اول راه تحصیل قرار دادند و گفتند مثلاً از کلاس اول بنشین و شروع کن به تلاش برای ارتقاء. او را به زمین آوردند اما راه ارتقا را بر او نبستند. درست است که هبوط کرد، اما معنایش این نبود که به کلی امکان ارتقا ندارد. او را آوردند به کلاس اول نشانند لکن او باید مقاطع را قدم به قدم طی کند. هر کسی این مسیر برایش طی می‌شود و در این مسیر قرار می‌گیرد. خیلی هم هستند که در نیمه راه‌ها می‌کنند. مانند کسی که از مدرسه الهی در نیمه راه فرار کند. از مدرسه فطرت و عقلش، از مدرسه تعلیم و تربیت انبیاء و شرایع و کتب آسمانی، خودش را خارج کند، ترک تحصیل ملکات و کمالات کند. آدمی که ترک تحصیل کند، بسته به اینکه در چه مقطعی این کار را بکند، آثاری قهری برای ترک این مسیر برای او مترتب می‌شود. عده‌ای هم هستند که این را ادامه می‌دهند تا می‌رسند به اینکه خود به خود در آن جایگاه عالی قرار می‌گیرند. در هر صورت زمین کأن مدرسه‌ای شد برای بشر که در این مدرسه در یک دورانی زندگی کند و بتواند خودش را بالا بکشد و صعود کند. منتهی آن‌هایی که خودشان را و این مدرسه را و این محیط را شناختند و دانستند که استقرار آن‌ها موقت است و متاع و تمتع آن‌ها از این دنیا موقت است و به آن هدف عالی فکر کردند، آن‌ها سود بردند و نعمت‌های بهشتی در انتظار آن‌ها است. و آن‌ها که اینجا را مستقر دائمی دانستند و تمتعاتشان را از این دنیا دائمی دانستند و گمان کردند که این متاع همیشه برای آنان فراهم است، آن‌ها قهراً از آن نعمت‌ها محروم‌اند و گرفتار عذاب آتش.

این اجمالی بود از مطالبی که در آیه ۳۶ لازم بود طرح شود.

انشاء الله از جلسه آینده آیه ۳۷ را شروع می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»